

بررسی و نقد غزل‌های سعدی

تصحیح غلامحسین یوسفی و پرویز اتابکی

سعید لیان*

چکیده

در این نوشتار تصحیح غلامحسین یوسفی و پرویز اتابکی از غزل‌های سعدی بررسی و نقد شده است. در اینجا از بیان محاسن این اثر گذشته و تنها به ذکر اشکالات آن پرداخته‌ایم. ابتدا اشکالات روش تصحیح این کتاب ذکر شده که عبارت‌اند از نامناسب بودن روش انتقادی برای این تصحیح، عدم توجه به خویشاوندی و ارتباط نسخه‌ها، و توجه نابجا به نسخه‌های اساس این تصحیح و عدم توجه لازم به سایر نسخ. اشکال دیگر این تصحیح مربوط به نسخه‌بدهای آن است، یعنی بردن نسخه‌بدها به پایان کتاب، و پیچیدگی شرح نسخه‌بدها. مورد دیگر اشکالاتی است که در گزینش و تنظیم اشعار رخ داده است؛ از جمله: عدم تفکیک سایر قالب‌های شعری از غزلیات، اشکال در تشخیص اشعار الحاقی، و آمیخته بودن غزلیات اصیل با غزل‌های الحاقی و مشکوک.

کلیدواژه‌ها: غزل‌های سعدی، تصحیح متن، نسخه‌بدل، خویشاوندی نسخه‌ها، اشعار الحاقی، غلامحسین یوسفی، پرویز اتابکی.

در این نوشتار به بررسی تصحیح غلامحسین یوسفی و پرویز اتابکی از غزلهای سعدی پرداخته و کوشیده‌ام نشان دهم که این تصحیح تا چه اندازه به تصحیح نهایی غزلیات سعدی نزدیک شده است یا از آن فاصله دارد؛ بنابراین به مقایسه آن با سایر تصحیحات پرداخته‌ام.

به عقیده من اکنون فن تصحیح متون به درجه‌ای رسیده است که دیگر کارهایی چون استفاده از نسخ قدیم یا نقل نسخه‌بدلها امتیازی خاص برای یک تصحیح محسوب نمی‌شود، بلکه باید فقدان آنها را جزو معایب بزرگ یک تصحیح به حساب آورد. از این رو در نقد تصحیح حاضر از بیان چنین محاسنی در گذشته و تنها به اشکالات آن پرداخته‌ام. اغلاط چاپی را از آن رو که اهمیتشان کمتر است، در «پیوست یک» آورده‌ام.

پیش از آغاز نقد، لازم است به دو نکته اشاره کنم: یک. بر روی جلد کتاب نوشته شده است: «تصحیح و توضیح: دکتر غلامحسین یوسفی» (مانند روی جلد گلستان و بوستان به تصحیح ایشان). این در حالی است که بر خلاف این دو کتاب «غزلهای سعدی» فاقد بخش «توضیحات» است. البته یوسفی قصد داشت بخشی از کتاب را به توضیحات اختصاص دهد که متأسفانه فرصت این کار را نیافت.^۱ دو. یوسفی در تصحیح این کتاب تنها نبوده و پرویز اتابکی هم نقش بسیاری در این میان داشته‌است؛ اما متأسفانه نام وی بر روی جلد به چشم نمی‌خورد.^۲ به نظر من این تصحیح را باید تصحیح «یوسفی- اتابکی» خواند و چنان‌که می‌بینید، من خود نیز چنین کرده‌ام. (کوتاه‌نوشت این تصحیح در این مطلب «یب» است که برگرفته از نام هر دو مصحح است.) اما اشکالات این تصحیح:

۱. اشکالات روش تصحیح

۱.۱. نامناسب بودن روش انتقادی برای این تصحیح

روش تصحیح این کتاب تقریباً انتقادی است. یوسفی در این باره نوشته است: «همه جا ضبط آن نسخه‌ای که قدیم‌تر و معتبر و حاوی غزل مورد نظر بوده، اساس تصحیح واقع شده و این کار به ترتیب قدمت و اصالت نسخه‌هاست و بر پایه اسلوب علمی تصحیح متون» (ص بیست‌وسه). اتابکی نیز ضمن توضیح در باره روش یوسفی متذکر شده است که «دکتر یوسفی [...] از لحاظ قدمت به نسخه آل [مورخ ۷۰۶ق] و از لحاظ کمیت و توالی غزلها به نسخه آ [مورخ ۷۶۶ق] اعتماد و استناد داشت» (ص پانزده) و سپس اضافه کرده است که پس از درگذشت یوسفی، وی نیز بر همان راه یوسفی رفته است (ص شانزده).

به عقیده نگارنده این روش برای تصحیح غزلیات سعدی چندان مناسب نیست، و در این تصحیح باید از روشی مشابه تصحیح غزلیات حافظ استفاده می‌شد. در میان مصححان دیوان حافظ تقریباً اجماعی پدید آمده است که مناسب‌ترین روش تصحیح این کتاب، شیوه التقاطی است. برخی از دلایل ایشان عبارت است از: ۱. فاصله میان وفات حافظ و قدیم‌ترین نسخه‌های موجود (از زمان حیات شاعر نسخه‌ای در دست نیست)؛ ۲. اختلاف بسیار در نسخ دیوان حافظ؛ ۳. عدم گردآوری دیوان توسط خود شاعر (بنا بر نوشته محمد گل‌اندام)؛ ۴. دستکاریهای مداوم شاعر در اشعارش.

من پیشتر گمان می‌کردم که این شرایط فقط برای دیوان حافظ صدق می‌کند، اما این شرایط تقریباً در مورد غزلیات سعدی نیز صادق است:

۱. به احتمال زیاد سعدی در سال ۶۹۱ق درگذشته است، و قدیم‌ترین نسخه غزلیات او که می‌توان به تاریخ آن اعتماد کرد، نسخه مورخ ۷۰۶ق (آل) است.^۳ این وضع شباهت دارد به تاریخ درگذشت حافظ (۷۹۲ق) و قدیم‌ترین نسخه‌ای که از غزلیات

او در دست است (۸۰۷ق)،^۴ یعنی بین وفات سعدی و حافظ و قدیم‌ترین نسخه غزلیاتشان پانزده سال فاصله است.

۲. با نگاهی به نسخه‌بدهای تصحیح حاضر می‌توان متوجه اختلافات زیاد نسخه‌ها شد؛ چه از لحاظ احتوای نسخ بر غزلها و چه از نظر تعداد ابیات آنها و نیز توالی ابیات و کیفیت ضبط کلمات. این اختلافات گرچه از اختلافات نسخ حافظ بیشتر نیست، باری چندان هم کمتر نیست. اصولاً چنین آثاری که خوانندگان زیادی داشته‌اند و مکرراً استنساخ می‌شده‌اند، تغییر و تبدل بسیار می‌پذیرفتند.

۳. برخی از محققان بر این عقیده‌اند که سعدی اشعار خود را گردآوری و تبویب کرده بوده است؛ اما آنچه مسلم است اینکه امروزه این نسخه خاص وجود ندارد و در میان نسخی هم که فعلاً موجودند، نمی‌توان مشخص کرد که آیا نسخه‌ای هست که رونوشتی بی‌واسطه یا با واسطه از نسخه خود شیخ باشد یا نه. اینکه برخی نسخ یک غزل را بیش از یک بار و به صورت متفاوتی آورده‌اند نشان می‌دهد که این نسخ با تلفیق منابع مختلفی تدوین شده‌اند.^۵ علاوه بر این، برخی از نسخ در بعضی از غزلها با هم خویشاوندی دارند و این نشان می‌دهد که در این نسخه‌ها غزلیات از منابع مختلفی فراهم آمده‌اند (نک: بخش ۲. ۱ در همین نقد، و نیز پیوست دو). از این رو این فرض ضعیف می‌گردد که نسخه‌ای «کامل» از غزلیات سعدی با تنظیم خود او وجود داشته است.^۶

۴. احتمالاً سعدی، بر خلاف حافظ، در پی حک و اصلاح اشعار سابق خود نبوده است؛ با این حال به نظر می‌رسد پاره‌ای از نسخه‌بدهای موجود حاصل دستکاریهای خود او باشند، و جز این هم نمی‌تواند باشد. آیا پذیرفتنی است که سعدی در مدت عمر خود هنگام مطالعه اشعارش هیچ تغییری در آنها پدید نیاورده باشد؟^۷

با توجه به این چهار نکته به نظر می‌رسد که تفاوت چندان در روش تصحیح دیوان حافظ و اشعار سعدی وجود نداشته باشد.

نکته دیگر در ترجیح روش التقاطی بر شیوه انتقادی، این است که روش انتقادی مناسب تصحیح غزلیات نیست. دریافت این مطلب را مدیون توضیح دکتر محمود امیدسالار درباره نسخ شاهنامه هستم. او می‌گوید که اعتبار بخشهای مختلف در یک نسخه واحد شاهنامه «گردنده» (گردان) است؛ به این معنی که ممکن است بخشهای مختلف یک نسخه واحد از اعتبار واحدی برخوردار نباشند و بخش یا بخشهایی به نسبت اصیل‌تر باشند و بخش یا بخشهایی دیگر دست‌خورده‌تر و دگرگون‌شده‌تر. دلیل آن هم این بوده که به دلیل حجم بالای شاهنامه گاهی تمام متن را یک نفر رونویس نمی‌کرده، بلکه بخشهای مختلف آن را افراد مختلفی می‌نوشتند و طبعاً ممکن بود هر کاتبی از سرمشق (نسخه مادر) متفاوتی استفاده کند.^۵

هنگام بررسی تصحیح حاضر به ذهنم رسید که این وضع در مورد «غزلیات» هم صدق می‌کند، زیرا غزلیات هر شاعری اثری نیست که به یک‌باره و یک‌جا پدید آمده باشد، بلکه به تفاریق در طول عمر شاعر پدید آمده است و اندک‌اندک نیز به دست دوستداران می‌رسیده است. طبیعی است که بر اثر مرور زمان و نسخه‌برداری و نقل از حافظه و تصرفات خود شاعر و امثال این دلایل، غزلهای در همان زمان حیات شاعر نیز دچار تغییر و تحریف می‌شده است. بعدها «جامعان» دیوان مجبور بوده‌اند این اشعار پراکنده را از گوشه و کنار «جمع» کنند. اینکه گاه بعضی از نسخه‌ها یک غزل را دو یا چند بار و به صورتهای متفاوتی آورده‌اند (نک: پی‌نوشت ۵)، خود نشان‌دهنده آن است که این اشعار از منابع متفاوتی به دست جامع یا کاتب رسیده‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اصالت غزلهای مختلف در یک نسخه واحد به یک اندازه نیست. در حالی که یک غزل ممکن است پشتوانه بسیار محکمی داشته باشد و حتی از دست‌خط خود شاعر نقل شده باشد، غزلی دیگر ممکن است با چندین واسطه و حتی با نقل از حافظه به دست جامع یا کاتب رسیده باشد. (حتی ممکن است منبع چند بیت از یک غزل با منبع سایر ابیات متفاوت باشد.) بنابراین به

نظر می‌رسد که بهترین روش برای تصحیح غزلیات یک شاعر (بدون در نظر گرفتن استثناها) روش التقاطی است.

شاید برخی گمان کنند که تنها «اسلوب علمی تصحیح متن» روش انتقادی است و روش التقاطی، تهیه ملغمه‌ای از نسخ است که به طور دلخواهی صورت می‌گیرد. باید گفت که تصحیح التقاطی آن نیست که مصحح هر ضبطی را که دلش می‌خواهد در متن وارد کند؛ این کار ضوابط دقیق مربوط به خود را دارد که از برآیند همه آنها ضبطی برگزیده می‌شود. برای نمونه متذکر می‌شوم که نخستین مرحله چنین تصحیحی، ارزیابی نسخه‌ها و یافتن خویشاوندی نسخ است، زیرا اگر معلوم شود که دو یا چند نسخه خویشاوندند، در ضبطهای مشترک باید همه آنها را در حکم یک نسخه واحد دانست، یا حداقل ضبطهای مشترک نسخه‌های خویشاوند را باید با احتیاط بیشتری بررسی کرد.

۲.۱. بی‌توجهی به خویشاوندی نسخه‌ها

در باره میزان اعتبار نسخه‌ها و خویشاوندی آنها یوسفی در مقدمه گلستان اشارات مختصری دارد، اما در مقدمه غزلیات چیزی ذکر نکرده است.^۹ من هنگام بررسی اجمالی نسخه‌بدلها متوجه شدم که گاه بین برخی ضبطهای نسخه‌ها شباهت وجود دارد، منتها این شباهت فقط در برخی غزلهای آن نسخ دیده می‌شود. برای مثال گاه میان آل و د قرابت هست و گاه میان آل و چ، و گاه نیز میان آل با هر دوی این نسخه‌ها. متأسفانه در تصحیح حاضر به این‌گونه موارد توجهی نشده است. از آنجا که بررسی خویشاوندی نسخ مبنای این تصحیح، ارتباط مستقیمی با بیان ایرادهای آن ندارد، برای جلوگیری از تطویل کلام این بخش به «پیوست دو» برده شد.

۱.۳. توجه بی‌وجه به نسخه‌ی اساس

شاید بزرگ‌ترین لطمه را به این تصحیح همین توجه بی‌اساس به نسخه‌ی اساس زده باشد. در مورد هر غزل، قدیم‌ترین نسخه‌ی دارای آن غزل اساس قرار گرفته است، اما هیچ معلوم نیست که آن نسخه صحیح‌ترین نسخه هم باشد. باید توجه داشت که گرچه به طور کلی نسخه‌ی آل در این تصحیح اقدم نسخ است، این نسخه همیشه نسخه‌ی اساس واقع نشده است؛ زیرا این نسخه فقط شامل ۳۳۶ غزل است و ۳۷۹ غزل دیگر را ندارد. در غزل‌هایی که در این نسخه نیست، ممکن است برحسب مورد نسخه‌ی گ، ه یا نسخه‌های دیگری اساس قرار گرفته باشند.

مصححان در موارد متعدد ضبط‌های منحصر به فرد نسخه‌ی اساس را به متن برده‌اند و فقط گاهی به این موضوع اشاره کرده‌اند؛^{۱۰} اما ضبط‌های انحصاری بسیاری هم هست که به آنها اشاره نشده است و باید با بررسی نسخه بدلها به وجود آنها پی برد. برای نمونه به یک مورد اشاره می‌کنم:

– ۳/۷۸ یب

من ز دست تو خویشتن بکشم تا تو دستت به خون نیالایی

(فروغی، ۵۱۲؛ یغمایی، ص ۶۶، ش ۶۸: ... دستم ...)

نسخه بدلها: از میان هفده نسخه، شش نسخه غزل را ندارند، شش نسخه دستم دارند، یک نسخه دستان دارد و سه نسخه دستی. بنابراین فقط یک نسخه باقی می‌ماند که متن مطابق آن است، یعنی آل.

ظاهراً دستکاری کاتبان در نسخه‌ها برای این بوده است که معنای درست مصراع دوم را درنیافته‌اند. ضمیر «م» که پس از دست آمده، در واقع جایش بعد از خون است، یعنی صورت دستورمند مصراع چنین است: «تا تو دست به خونم نیالایی» (نمونه دیگر از ضبط‌هایی که به انحصاری بودن آنها اشاره نشده، بیت سوم غزل ۴۵۸ است).

توجه بی جا به نسخه اساس گاه حتی باعث شده است غلطی فاحش وارد متن اشعار گردد؛ مثال:

- ۶/۲۴۶

به در نمی رود از خانگه یکی هشیار که پیش شحنه بگویی که صوفیان مستاند (فروغی، ۲۲۶؛ یغمایی، ص ۱۸۹، ش ۲۳۸: ... بگوید ...)
نسخه بدلها: از میان هفده نسخه، پنج نسخه غزل را ندارند، یک نسخه این بیت را ندارد، ده نسخه بگوید دارند و فقط نسخه آل «بگویی» دارد.
آیا اگر صوفی ای هشیار از خانقاه بیرون آید نشانه آن است که صوفیان درون خانقاه مستاند؟ بدیهی است که نه. پس تنها راه آگاه شدن شحنه از مستی صوفیان این است که صوفی ای هشیار از خانقاه بیرون آید و نزد شحنه رود و خود این خبر را به او بگوید.

موارد بسیاری وجود دارند که به خاطر نسخه اساس، ضبط اکثریت نسخ به نسخه بدلها رانده شده است. من از بیم تطویل مطلب تنها به ذکر نشانی یک مورد بسنده می کنم: غزل ۶۸، ابیات ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۰، ۱۳، که در آنها ضبط نسخه آل بر هفت تا نه نسخه ترجیح داده شده است.

برخی موارد هم هست که مصححان با اینکه ضبط نسخه اساس را به متن برده اند، اما متذکر شده اند که ضبطی که در نسخه بدلها آمده «مناسب تر می نماید».^{۱۱}
البته موارد بسیاری هم وجود دارد که مصححان مجبور شده اند ضبط نسخه اساس را کنار بگذارند و ضبط سایر نسخ را به متن ببرند. این گونه موارد نیز در این تصحیح بسیار است و ظاهراً مصححان به تمام آنها اشاره کرده اند. مثلاً بیت زیر را در نظر بگیرید:

- ۷/۲۳

آب روان و سبزه و صحرا و لاله‌زار

با من مگو که چشم در احباب خوش‌تر است

در نسخه بدل آورده‌اند: «گ: من بگو؛ متن بر اساس ه با توجه به دیگر نسخه‌ها و معنی.»

مصححان برای رفع اشتباه نسخه‌ی اساس (گ)، از قدیم‌ترین نسخه‌ی پس از آن (ه) استفاده کرده‌اند؛ اما عبارت «دیگر نسخه‌ها» مبهم است و معلوم نیست کدام نسخه‌ها مدنظر بوده‌اند. این کار مقام سایر نسخ را عملاً در حد نسخه‌هایی مشورتی و تزییی می‌کاهد و نشان می‌دهد که در این تصحیح عملاً دو یا سه نسخه هستند (نسخه‌های آل، گ، ه) که بار تصحیح متن را بر دوش می‌کشند.^{۱۲}

بدیهی است که هیچ نسخه‌ای خالی از خطا نیست و یوسفی و اتابکی نیز جز این نیندیشیده و کوشیده‌اند تا اغلاط تمام نسخ و از جمله نسخه‌های اساس را وارد متن سازند؛ اما نکته‌ی بسیار مهم در این میان این است که خطاهای کتابتی بر دو نوع‌اند: یکی خطاهای فاحش، که مخل وزن یا معنی‌اند؛ و دیگری خطاهای پنهان، که خللی در وزن و معنی ایجاد نمی‌کنند.^{۱۳} خطاهای پنهان حتی گاهی بهتر و مناسب‌تر از دیگر ضبطها به نظر می‌رسند، اما آنچه باعث می‌شود آنها را خطا بدانیم، این است که ما را از کلام «اصیل» شاعر دور می‌کنند. مثلاً بیت زیر را در نظر بگیرید:

- ۵/۲۹

گر تو صد بار بیایی به سر کشته‌ی عشق چشم دارد مترصد که دگر بار آیی
متن ظاهراً بر اساس آل (و احتمالاً نه نسخه‌ی دیگر) است. فقط ضبط نسخه‌ی گ «چشم باشد» است. می‌بینیم که این ضبط اخیر نیز صحیح است و خالی از لطفی هم

نیست، زیرا این احتمال در آن قوی‌تر است که منظور از «کشته عشق» خود شاعر باشد، زیرا شاعر وقتی می‌گوید «چشم دارد» گویی از شخص غایبی سخن می‌گوید نه از خود. به احتمال بسیار زیاد اگر نسخه آل این غزل یا این بیت را نداشت، همین ضبط منحصر به فرد نسخه گ وارد متن می‌شد، زیرا گ پس از آل اقدام نسخ است، و در موارد بسیاری که نسخه گ اساس واقع شده این اتفاق افتاده است. این یعنی رفتار دوگانه با نسخه‌ها، گویی وقتی نسخه‌ای اساس واقع می‌شود کاتب آن از خطاهای پنهان (و حتی گاه آشکار) مصون دانسته می‌شود؛ اما وقتی همان نسخه اساس نیست، کاتب مصونیت خود را از دست می‌دهد. این در حالی است که اشتباهات پنهان به همان اندازه اشتباهات فاحش (و بلکه بیشتر) محتمل‌اند، اما مصححان اصلاً به این موضوع توجه نکرده‌اند.^{۱۴}

۲. اشکالات نسخه‌بدلها

۲.۱. بردن نسخه‌بدلها به پایان کتاب

یوسفی در مقدمه اشاره کرده است که برای «سبک‌روح بودن کتاب»، نسخه‌بدلها به آخر کتاب برده شده است (ص بیست‌ودو). شاید بدین طریق متن کتاب سبک‌روح شده باشد، اما اکنون نسخه‌بدلها با محققان گرانجانی بسیار می‌کنند. این کار رجوع به نسخه‌بدلها را بسیار دشوار کرده است، به گونه‌ای که بی‌گمان عده بسیاری عطای این کار را به لقایش می‌بخشند و در نتیجه نسخه‌بدلها از دسترس نقد و بررسی دور می‌شوند و تنقیح و تهذیب متن میسر نمی‌گردد.

اجازه دهید راجع به این موضوع قدری مفصل‌تر سخن بگویم:

۲.۱.۱. نقش سهولت دستیابی به نسخه‌بدلها در تحقیقات ادبی

یکی از نقشهای بسیار مهم نسخه‌بدل — که تا کنون کمتر به آن توجه شده — تأثیری است که بر تحقیقات ادبی می‌گذارد و هرچه دستیابی به نسخه‌بدلها سهل‌تر باشد، این نقش پررنگ‌تر می‌شود؛ زیرا سهولت دستیابی به اختلاف نسخ باعث می‌شود تا پژوهشگران و دانشجویان بیشتری در حین خواندن متن به سراغ نسخه‌بدلها بروند. حواشی‌ای که این افراد به مرور زمان بر نسخه خود می‌افزایند، ماده خام مقالات و نقدهای آتی را فراهم می‌آورد. (هم‌چنین این وضع قطعاً موجب شناخت بهتر متن و آشنایی بهتر با فن تصحیح خواهد شد.)

نظیر این وضع پس از چاپ تصحیح خانلری از دیوان حافظ اتفاق افتاد. در این چاپ نسخه‌بدلهای هر غزل در صفحه روبه‌روی آن آمده است و این به خوانندگان امکان می‌دهد که به راحتی جایگزینهای هر ضبط را بررسی کنند و بدین طریق کار مصحح را ارزیابی نمایند. نقدهایی که بر تصحیح خانلری نوشته شد و پاسخ آن نقدها، موجب تکامل بسیار در حافظ‌پژوهی شده است، و بخشی از دقیق‌ترین مباحث انتقادی، حاصل نقد نسخه‌بدلهای این تصحیح (و البته برخی دیگر از تصحیحا) است.

خوشبختانه حجم هر غزل و نسخه‌بدلهای آن در غزلیات سعدی به اندازه‌ای است که می‌توان هر دو را در یک صفحه چاپ کرد. در این صورت حجم کلی کتاب تغییر چندانی نخواهد کرد.^{۱۵}

۲.۲. پیچیدگی شرح نسخه‌بدلها

شاید عده‌ای معتقد باشند که آنچه مهم است نفس نقل نسخه‌بدلهاست و شیوه نقل آنها اهمیت چندانی ندارد؛ اما به نظر من شیوه نقل نسخه‌بدلها گاه حتی بیش از نقل آنها

اهمیت دارد. روش نقل نسخه‌بدلها خود هنر و فنی جداگانه است و مصححان مختلف با توجه به روش خود و تعداد نسخ مبنای کار، روشهای مختلفی را برای این کار پیش گرفته‌اند. نمونه خوبی از وضوح و دقت نسخه‌بدلها دفتر دگرسانیها در غزلهای حافظ از سلیم نیساری است. یکی از دلایل سهولت استفاده از نسخه‌بدلهای این تصحیح این است که توالی ابیات و نسخه‌بدلها در جدول آمده‌اند.

یکی دیگر از کارهایی که استفاده از نسخه‌بدلها را ساده‌تر می‌کند، این است که در کنار ذکر اختلاف نسخ از «نسخه‌بدل مثبت» استفاده کنیم. «ثبت مثبت نسخه‌بدلها» به این معنی است که ذکر کنیم ضبط کدام نسخه‌ها با متن تفاوتی ندارد، و به تعبیری دیگر مشخص کنیم که متن مستند به چه نسخه‌هایی است. این کار به‌ویژه در تصحیحاتی که نسخ مبنای آنها زیاد است کمک زیادی به خواننده می‌کند؛ چون در غیر این صورت پیدا کردن نسخ پشتوانه متن بسیار دشوار می‌شود.

ظاهراً نخستین کسی که از این روش در نسخه‌بدلهای یک متن فارسی استفاده کرده، هلموت ریتز است. در تصحیح خالقی مطلق از شاهنامه و در تصحیح نیساری از دیوان حافظ نیز از نسخه‌بدل مثبت استفاده شده است.^{۱۶}

علی‌الظاهر ترجیح یوسفی به طور کلی بر آن بوده که تمامی اطلاعات را به شیوه منفی (سلبی) ذکر کند. مثلاً در مقدمه نوشته است: «در شرح نسخه‌بدلها [...] در ذیل شماره هر غزل [...] نسخه‌هایی که آن غزل را فاقد است (و معمولاً تعداد آنها کمتر است و ذکر آنها جای کمتری را می‌گیرد) یاد شده» (بیست و چهار - بیست و پنج).

با این روش برای فهمیدن آنکه یک غزل در کدام نسخه‌ها آمده است، باید رمز هفده نسخه مورد استفاده در این تصحیح را روی یک کاغذ نوشت و رمز نسخه‌های فاقد آن غزل را از آن میان خط زد تا به نسخ مورد نظر برسیم؛ در حالی که اگر نسخه‌های دارای هر غزل نیز ذکر می‌شد، نیازی به این محاسبات نمی‌بود و جای چندان نیز از کتاب اشغال نمی‌شد.

مشکل بعدی روش خاصی است که در ثبت توالی ابیات پیش گرفته‌اند. یوسفی نوشته‌است: «علامت ← در شرح نسخه‌بدلها (مثلاً: ۷←۹) یعنی غزلی بیت هشتم را ندارد» (ص سی و چهار). روش غریب و بیهوده دشواری است. اما این تمام ماجرا نیست. ظاهراً از این علامت برای مقصود دیگری هم استفاده کرده‌اند. در ابتدا کاربرد دیگر این علامت به درستی بر من معلوم نبود؛ اما بعدها در ضمن مطالعه نسخه‌بدلها متوجه شدم که در ذیل نخستین صفحه نسخه‌بدلها آمده است: «نشانه پیکان (مثلاً: ۲←۵) نمودار آن است که بیت ۵ پس از بیت ۲ واقع شده است، الخ» (ص ۳۵۱). اما برای نشان دادن صرف توالی دو بیت، نیازی به چنین علامتی نیست و این علامت به دلیل خلط دو کاربرد متفاوت آن، فقط موجب سردرگمی خوانندگان خواهد شد.

علاوه بر این، این شیوه ذکر توالی ابیات، تعداد ابیات یک غزل را در نسخ مختلف به درستی نشان نمی‌دهد، به همین جهت یافتن این نکته که فلان نسخه دقیقاً کدام ابیات را دارد و کدام ابیات را ندارد، کاری بسیار دشوار است و مستلزم صرف وقت بسیار است. هم‌چنین در این روش عملاً نمی‌توان توالی و تعداد ابیات یک غزل را در نسخ مختلف با هم مقایسه کرد.

این روش موجب دشواری بررسی ضبط کلمات نیز هست. در بسیاری از موارد، هنگام گزارش اختلاف نسخ، فقط به ذکر «دیگر نسخه‌ها» اکتفا شده است. به همین سبب، برای دریافتن اینکه منظور از «دیگر نسخه‌ها» چیست، باید دید کدام نسخه‌ها آن غزل را دارند و از آن نسخه‌ها که آن غزل را دارند، کدام نسخه‌ها آن بیت را دارند، و از آن نسخه‌ها که آن بیت را دارند ضبط کدام مطابق متن است و کدام نه.

امیدوارم مصححان آتی غزلیات سعدی شیوه‌های سهل‌الوصول‌تری را برای ثبت نسخه‌بدلها در پیش بگیرند.

۳. اشکالاتی در گزینش و تنظیم اشعار

۳.۱. عدم تفکیک سایر قالبهای شعری از غزلیات

چنانکه اتابکی ذکر کرده است، یوسفی «پیش‌نویس متن را [...] شامل ۷۱۳ قطعه شعر اعم از قصیده و غزل، به علاوه ترجیع بند معروف سعدی، به خط خویش نوشته [بود]» (ص پانزده - شانزده).

معلوم نیست که آیا یوسفی قصد داشته که تمام این اشعار را در متن کتاب بیاورد، یا اینکه احتمالاً می‌خواست پاره‌ای از این اشعار را از متن کتاب خارج کند، و باز معلوم نیست که آیا آن مرحوم می‌خواست عیناً همان نظم و ترتیب نسخ قدیم (و در واقع نسخه آ) را رعایت کند؟ در این صورت چرا ۴۵ غزل از ۷۳۷ غزل نسخه آ را در پیش‌نویس خود نیاورده؟^{۱۷} و سرنوشت این ۴۵ غزل چه شده است؟

من حدس می‌زنم که وی قصد داشته برخی اشعار را در مجلدات دیگری ذیل قصاید یا قطعات نقل کند، یا برخی اشعار را به بخش ملحقات ببرد. قرینه‌ای هم که بر این موضوع وجود دارد این است که خود او در نسخه‌بدلها گاه برخی اشعار را «قصیده» نامیده است.

البته مرز دقیق و واضحی میان غزل و قصیده (و گاه قطعه‌های مصرع) وجود ندارد، اما برخی اشعار در این کتاب هست که نمی‌توان آنها را غزل دانست و در میان غزلیات جلوه خوبی ندارند، مانند اشعار شماره ۳ (۳۶ بیت) و شماره ۴ (پانزده بیت) که هر دو در نسخه‌بدلها قصیده نامیده شده‌اند.

برخی اشعار هم هستند که از حیث داشتن مطلع مصرع و تعداد ابیات شبیه غزل‌اند، اما موضوعاتی دارند که عادتاً از حوزه موضوعات غزل خارج‌اند و من گمان می‌کنم که این گونه اشعار را باید قطعات مصرع محسوب کرد؛ مانند این موارد: شماره ۵ نه بیت و شماره‌های ۶ و ۹ هر کدام یازده بیت، که در نسخه‌بدلها آنها را

قصیده نامیده‌اند. شماره ۸ هشت بیت، که در نسخه‌بدلها آن را مرثیه نامیده‌اند. به غیر از این موارد تقریباً باقی اشعار را «غزل» نامیده‌اند؛^{۱۸} و این در حالی است که برخی از این اشعار را به هیچ وجه نمی‌توان غزل به حساب آورد. برخی از این موارد عبارت‌اند از:

- شماره ۴۶۲: قطعه است. در نسخه‌بدلها آورده‌اند: «این غزل در هیچ یک از نسخه‌ها بیت مطلع ندارد.» فروغی آن را در غزلیات آورده (ش ۳۴۳) اما در حاشیه آن نوشته است: «در نسخه‌های چاپی و بعضی نسخ خطی، این غزل بی‌مطلع در ضمن قطعات آمده، ولی در قدیم‌ترین نسخه‌ها در شمار غزلیات است» (ص ۵۳۷). در یغمایی هم جزو غزلیات آمده است (ص ۴۱۵، ش ۱۵۲).

- شماره ۵۷۸ آن را مسمط باید محسوب کرد. چهارده بند دارد.

- بند ۲۳ ترجیع‌بند (شعری مستقل و در واقع مسمطی است که بر اساس بند دوم همین ترجیع‌بند سروده شده و انتساب آن به سعدی محل تردید است. یغمایی آن را پس از بند ۲۲ ترجیع‌بند آورده است (ص ۶۷۳-۶۷۴)، اما فروغی آن را در غزل‌های الحاقی آورده است (ش ۶۶۳). و نیز شماره ۴۷۴ (هفده بیت)، شماره ۴۹۴ (۲۳ بیت)، شماره ۴۹۶ (۲۲ بیت)، شماره ۵۵۲ (۲۲ بیت).^{۱۹}

چند شعر هم هست که تماماً عربی‌اند و آمدن آنها در میان غزلیات فارسی چندان دلپذیر نیست: شماره ۳۱۱ (سیزده بیت، که خود آن را «قطعه‌شعر» نامیده‌اند)، شماره ۳۵۵ (دوازده بیت)، شماره ۳۵۶ (ده بیت).

۲.۳. اشکال در تشخیص اشعار الحاقی

در ابتدای غزل‌های الحاقی توضیحی این‌چنین نوشته شده است: «این غزلها تنها در پاره‌ای از نسخه‌ها آمده و در بعضی چاپها الحاقی قلمداد شده است» (ص ۳۴۱). معلوم نیست معیار الحاقی دانستن این اشعار چیست و منظورشان از «بعضی چاپها»

کدامهاست؛ از میان هفده شعری که در این بخش آمده تنها غزل اول است که در چاپ فروغی نیز الحاقی دانسته شده است.

از آنجا که بخش غزل‌های الحاقی بیش از حد مشوش است، من تمامی این غزلها را نقل می‌کنم:

ش ۱. این غزل تنها در یک نسخه (مل) آمده است. همان‌طور که گفتیم، در فروغی هم الحاقی دانسته شده است.

ش ۲. این غزل در پنج نسخه (پ، مل، م، پر، ت) آمده است. غزل زیبایی است و سبک آن نیز به سعدی می‌خورد، و در چاپ فروغی نیز آمده است (غزل ۹۰).

ش ۳. در پنج نسخه (پ، مل، م، پر، ت) آمده است. احتمال انتساب آن به سعدی هست و در چاپ فروغی هم آمده است (غزل ۱۵۷).

ش ۴. این غزل نیز در پنج نسخه (پ، مل، م، پر، ت) آمده است. در چاپ فروغی نیز هست (غزل ۲۴۳).

ش ۵. این غزل در سه نسخه (پ، م، پر) آمده است. در چاپ فروغی هم آمده (غزل ۲۴۴).

ش ۶. این غزل در پنج نسخه آمده و در برخی نسخ دو بار ثبت شده است: (پ دو بار)، (مل، م دو بار)، (پر، ت دو بار). غزل زیبایی است، گرچه سبک آن خیلی شبیه سعدی نیست. در چاپ فروغی هم آمده است (غزل ۲۸۲).

ش ۷. این غزل در دو نسخه (پ، ت) آمده است. غزل زیبایی است و با سبک سعدی نیز می‌خواند. در چاپ فروغی به شماره ۵۷۶ آمده است.

ش ۸. در پنج نسخه (لا، پ، مل، پر، ت) آمده است. در چاپ فروغی به شماره ۵۸۱ آمده است.

از اینجا به بعد در واقع غزل‌های الحاقی تمام می‌شود. مواردی که پس از این می‌آید، حاصل اشتباه در تصحیح است:

ش ۹. نوشته‌اند که فقط در نسخهٔ پا آمده است. این غزل تحریر دیگری از غزل ۲۲۲ است که در نسخه‌بدهای آن لحاظ هم شده و در ده نسخهٔ دیگر هم آمده است.

ش ۱۰. نوشته‌اند که فقط در نسخهٔ ت آمده است. این غزل تحریر دیگری از غزل ۲۹۱ است که در نسخه‌بدهای آن لحاظ هم شده و در دوازده نسخهٔ دیگر هم آمده است.

ش ۱۱. در واقع همان غزل الحاقی شمارهٔ ۵ است. متن آن عیناً همان است، اما نسخه‌بدها اندکی تفاوت دارند که معلوم نیست چرا.

ش ۱۲. نوشته‌اند که فقط در نسخهٔ ت آمده است. این غزل تحریر دیگری از غزل شمارهٔ ۳۷۶ است، اما در نسخه‌بدهای آن لحاظ نشده است. ده نسخهٔ دیگر هم این غزل را دارند.

ش ۱۳. نوشته‌اند که فقط در نسخهٔ گ آمده است. این غزل در واقع ضبط مکرر نسخهٔ گ و تحریر دیگری از غزل شمارهٔ ۲۶۲ است، اما در نسخه‌بدها لحاظ نشده است. ده نسخهٔ دیگر هم این غزل را دارند.

ش ۱۴. نوشته‌اند که فقط در نسخه‌های پا و پر آمده است. این غزل تحریر دیگری از غزل شمارهٔ ۲۱ است و در نسخه‌بدهای آن لحاظ هم شده است. هفت نسخهٔ دیگر هم این غزل را دارند.

ش ۱۵. نوشته‌اند که در پنج نسخه (ه، پ، مل، م، پر) آمده است. این غزل در واقع تحریر دیگری از غزل شمارهٔ ۵۷۳ است و نسخهٔ ه در نسخه‌بدهای آن لحاظ شده است، اما نسخه‌های پ، مل، م، پر در نسخه‌بدهای آن لحاظ نشده‌اند. در کل هشت نسخه این غزل را دارند.

ش ۱۶. این شعر، همان طور که خودشان هم اشاره کرده‌اند، قطعه است، و در تصحیح فروغی در بخش قطعات آمده است (ص ۸۳۵) و احتمال آن هست که در سایر نسخ نیز جزو قطعات آمده باشد.

ش ۱۷. نوشته‌اند فقط در نسخهٔ ه آمده است. این غزل تحریر دیگری از غزل شمارهٔ

۶۷۰ است. ظاهراً ضبط مکرر نسخه‌هاست که در نسخه‌بدل‌های این غزل لحاظ نشده است. ده نسخه دیگر این غزل را دارند که در دو نسخه دو بار آمده است. چنان‌که دیدیم، از میان هفده غزلی که الحاقی نامیده شده‌اند، تنها هشت غزل به واقع فقط در ملحقات آمده‌اند. اکنون این سؤال به ذهن می‌رسد که پس بقیه غزلیات الحاقی کجا هستند؟ آیا در این هفده نسخه، اشعار دیگری نبوده که می‌بایست در بخش ملحقات بیابند؟ به نظر می‌رسد که بخشی از این ملحقات در میان اشعار اصیل آمده‌اند و برخی از آنها اصلاً جایی در این کتاب نیافته‌اند.

۳. ۲. آمیخته بودن غزلیات اصیل با غزلیات الحاقی و مشکوک

برخی غزلیات فاقد پشتوانه کافی برای انتساب به سعدی هستند؛ مثلاً برخی غزلیات تنها در یک یا دو نسخه آمده‌اند و این پشتوانه بسیار ضعیفی است. دو غزل زیر تنها در یک نسخه آمده‌اند:

- شماره ۶۱۴ (نسخه گ): در تصحیح فروغی جزو غزلیات اصیل (ش ۴۹) آمده است. احتمال آن هست که در برخی دیگر از نسخ هم آمده باشد ولی در نسخه‌بدل‌ها نام آنها جا افتاده باشد (از نسخه‌بدل‌های یغمایی هم چیزی معلوم نمی‌شود: ص ۵۹۴، نسخه‌بدل‌های غزل ۳۰۴ بدایع).

- شماره ۶۵۶ (نسخه آ): در تصحیح فروغی جزو قطعات (ص ۸۱۷) آمده است. یغمایی توضیح داده است که این غزل فقط در نسخه مشهد (= آ در یوسفی - اتابکی) آمده است، سپس افزوده است: «در نسخه‌های دیگر نیست. در نسخه‌ها چاپی جزو قطعات است و بجای تر» (ص ۶۰۲، نسخه‌بدل غزل ۳۴۶ بدایع).

این پنج غزل هم هرکدام فقط در دو نسخه آمده‌اند:

- شماره ۶۲۹ (نسخ ه و آ): من هنگام مطالعه غزلیات کنار آن نوشته بودم: «غزل معقدی است.» واضح است که سبک غزل به سعدی نمی‌خورد، اما در فروغی هم

جزو غزلیات اصیل آمده است (ش ۱۳۹).

- شماره ۶۴۰ (نسخ آل و پا): فروغی آن را در ملحقات آورده است (ش ۶۶۱).
 - شماره ۶۴۱ (نسخ آل و پا): فروغی این را هم الحاقی دانسته است (ش ۶۵۴).
 - شماره ۶۴۳ (نسخ آل و پا): فروغی این یکی را هم الحاقی دانسته است (ش ۶۶۲).
 - شماره ۶۵۹ (نسخ گ و آ): این شعر ظاهراً در تصحیح فروغی نیست.
- لازم به ذکر است که بنابر تحقیق کاظم برگ‌نیسی، غزلیهای ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲ و ۶۴۴ از کمال‌الدین اسماعیل است. می‌توان در این میان تقریباً مطمئن بود که دو غزل ۶۴۰ و ۶۴۱ (که مستند به دو نسخه‌اند) از کمال‌اند، زیرا در نسخه‌ای از دیوان او به تاریخ ۶۸۸ قی آمده‌اند. دو غزل دیگر نیز محتمل‌تر آن است که از کمال باشند (برگ‌نیسی: توضیحات غزلیهای ۴۲۱، ۴۴۱، ۶۹۳ و ۷۰۶، نیز: ص ۱۵-۱۶).

۴.۳. مقایسه تعداد غزلیات یوسفی - اتابکی با فروغی

ای کاش تصحیح حاضر یک جدول تطبیقی داشت که شماره غزلیات این دو تصحیح را با هم مطابقت می‌داد. به هر حال، من مطلع غزلیات این دو تصحیح را با هم مقابله کردم.^{۲۰} نتیجه این مقابله این شد که تصحیح حاضر پنج غزل از غزلیهای اصلی فروغی را ندارد، بدین شرح (شماره غزلیها بر اساس تصحیح فروغی است):

- شماره ۱۱: وقت طرب خوش یافتم آن دلبر طناز را
 - شماره ۲۸: سرمست در آمد از خرابات
 - شماره ۲۲۰: دلم خیال تو را رهنمای می‌داند
 - شماره ۳۴۴: ساقی بده آن شراب گل‌رنگ
 - شماره ۵۸۷: به قلم راست نیاید صفت مشتاقی.
- البته لازم به توضیح است که فروغی به اصالت غزلیهای ۲۸، ۲۲۰ و ۳۴۴ (و نیز ۱۵۶) چندان خوش‌بین نبوده و در مراحل آخر چاپ کتاب به این فکر افتاده که بهتر

می‌بود اگر این غزلها را در ملحقات می‌آورد (ص ۴۰۷). در حاشیه غزل ۵۸۷ هم نوشته است: «این غزل در نسخ بسیار قدیم نیست.»
یب مجموعاً ۲۳ غزل از ملحقات را هم ندارد.^{۲۱} در مقابل تصحیح فروغی نیز دو شعر از اشعار یب را ندارد (شماره بر اساس یب):
- شماره ۳۰۵: عمرت دراز باد که کوتاه کنی نفس^{۲۲}
- شماره ۶۵۹: ای غریقان قلزم شهوات.

پایان سخن

تصحیح یوسفی- اتابکی، مانند هر یک از فعالیت‌های بشری، ایرادهایی دارد. این ایرادها به قدری است که به هیچ وجه نمی‌توان این تصحیح را تصحیح نهایی غزلیات سعدی دانست، با این حال، تصحیح حاضر کوششی است ارزنده برای نزدیک شدن به سخن اصیل شیخ اجل سعدی.

احتمالاً با وجود این تصحیح، ما تا سالیان متمادی شاهد تصحیح دیگری از غزلیات سعدی نخواهیم بود و به فرض که تصحیح دیگری از غزلیات چاپ شود، هیچ معلوم نیست که بهتر از این تصحیح باشد. بنابراین گمان می‌کنم بهتر است حتی المقدور از دوباره‌کاری پرهیز شود و به جای اینکه تصحیح غزلیات سعدی را به خاطر ایرادات این تصحیح دوباره آغاز کرد، بکوشیم تا ایرادات تصحیح حاضر را تا حد امکان رفع کنیم. در این میان نقش ناشر بسیار مهم است، زیرا برای رفع برخی اشکالات این تصحیح باید موافقت و همت وی همراه این کار گردد.

پی‌نوشتها

۱. یوسفی در توضیح ساختار کلی کتاب نوشته است: «بخش دوم [کتاب] توضیحات مربوط به متن را در برمی‌گیرد؛ به ترتیب شماره غزلها و ابیات. توضیحات مربوط است به کلمات، ترکیبات،

اصطلاحات، اشارات به آیات قرآنی و احادیث و نکات تاریخی و آنچه محتاج توضیح می‌نموده است» (ص بیست‌ودو)؛ و حتی گاه در ضمن نسخه‌بدلها توضیح نکته‌ای را به بخش توضیحات احاله کرده است (برای نمونه، نک: ۲/۲۹، ۲/۶۵، ۹/۷۱، ۲/۲۱۰، ۴/۲۹۵، ۱/۳۲۲)، اما متأسفانه موفق به انجام این کار نشد.

۲. کسانی که در این تصحیح دست‌اندرکار بوده‌اند عبارت‌اند از:

– غزلهای ۱ تا ۳۱۷: یوسفی و اتابکی.

– غزلهای ۳۱۷ تا ۴۱۸ (۱۰۱ غزل): یوسفی به تنهایی، سپس با همکاری رفعت صفی‌نیا و مینو بازرگان.

– غزلهای ۴۱۸ تا ۷۱۵ (۲۹۷ غزل، به اضافه ترجیعات و ملحقات): اتابکی با همکاری رفعت صفی‌نیا (نک: ص شانزده – هفده).

۳. در میان نسخ مورد استفاده این تصحیح دو نسخه تاریخی قدیم‌تر دارند: یکی د مورخ ۶۹۱ یا ۷۲۶ق؛ و دیگری پا مورخ ۶۶۴ یا ۶۹۱ق (ص بیست‌وهفت). یوسفی در تاریخ این دو نسخه تشکیک کرده بود (بوستان، ص ۱۴). اکنون بر اساس نامه تازه‌یافته‌ای از محمد قزوینی به محمدعلی فروغی، مشخص شده است که تاریخ صحیح نسخه پا ۷۶۴ق است (قزوینی ۱۳۹۰: ۲۱۱-۲۱۲).

۴. البته چند نسخه‌ای از اشعار حافظ هست که ادعا می‌شود تاریخ قدیم‌تری دارند، اما تاریخ آنها محل تردید است.

۵. با بررسی نسخه‌بدلها مشخص شد که حداقل ۱۰۷ غزل هست که بیش از یک بار در نسخه‌ای آمده‌اند، یعنی یک غزل واحد گاه دو یا سه بار در یک نسخه آمده است. این ۱۰۷ غزل ۱۵۰ بار در نسخه‌ها تکرار شده‌اند. از این میان فقط اتابکی مستقیماً به تکرار یازده غزل اشاره کرده است (غزلیات ۵۷۹، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۶، ۵۸۹، ۵۹۵، ۶۳۲، ۶۸۶، ۶ الحاقی).

نسخی که دارای ضبط مکرر هستند، با ذکر شماره غزلیات بدین قرارند: آل (پنج مورد: ۱۳۵، ۳۲۸، ۴۱۹، ۴۸۳، ۶۰۳)؛ گ (ده مورد: ۲۶۲، ۴۴۶، ۴۵۰، ۴۶۲، ۴۶۴، ۴۷۷، ۵۰۱، ۵۶۱، ۶۷۰، ۶۸۳)؛ ه (بیست مورد: ۴۷، ۷۰، ۸۴، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۲۵، ۱۶۴، ۱۸۵، ۲۷۸، ۲۸۱، ۳۲۴، ۳۷۳، ۳۷۵، ۴۳۱، ۴۴۹، ۴۵۳، ۴۵۴، ۵۰۸، ۶۳۲، ۶۷۰)؛ آ (دو مورد: ۴۷، ۱۱۹)؛ پ (پنج مورد: ۱۴، ۴۵۶، ۵۰۸، ۶۱۸، ۶ الحاقی)؛ م (۲۷ مورد: ۳۲۸، ۳۴۴، ۳۵۷، ۴۰۱، ۴۱۶، ۴۳۰، ۴۳۵، ۴۵۰،

۴۵۳، ۴۵۶، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۸۰، ۴۸۷، ۵۰۸، ۵۲۱، ۵۲۸، ۵۳۶، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۶، ۵۸۹، ۵۹۵، ۶۸۶، ۶ (الحاقی)؛ د (شانزده مورد: ۱۴، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۳۸، ۵۶، ۹۳، ۹۴، ۱۱۱، ۱۱۹، ۳۲۸، ۳۲۹، ۴۰۳، ۴۹۸)؛ یا (پنج مورد: ۱۱۱، ۱۱۹، ۱۴۵، ۱۶۲، ۲۳۰)؛ چ (۳۲ مورد: ۴۰ (دو بار)، ۴۳، ۴۷، ۱۱۶، ۱۳۱، ۱۸۵، ۱۹۰، ۱۹۱، ۲۲۶، ۲۵۵، ۳۱۲، ۳۲۸، ۳۴۲، ۳۴۵، ۳۶۲، ۳۶۶، ۳۷۱، ۳۷۴، ۳۸۴ (دو بار)، ۳۸۸، ۳۹۱، ۴۰۴، ۴۱۵، ۴۳۰ (دو بار)، ۴۴۱، ۴۷۱، ۴۷۹، ۵۸۶، ۵۸۹)؛ پر (چهارده مورد: ۷۶، ۱۱۹، ۱۹۳، ۲۴۵، ۲۷۹، ۲۹۵، ۳۸۲، ۳۹۶، ۴۵۶، ۵۰۸، ۵۸۹، ۶۰۴، ۶۱۸)؛ ت (هشت مورد: ۱۱۹، ۲۴۵، ۴۵۶، ۵۴۰، ۵۴۳، ۶۰۴، ۶۱۸، ۶ (الحاقی)؛ مه (پنج مورد: ۱۱۹، ۳۷۰، ۴۳۱، ۴۴۹، ۴۵۴)؛ ص (یک مورد: ۵۲۹).

نسخی که غزل مکرر ندارند، عبارت اند از: ص (جنگی شامل ۳۴ غزل شیخ)، ن (جنگی شامل ۷۱ غزل شیخ)، لا (جنگی شامل ۴۷ غزل شیخ)، مل (نسخه مورخ ۷۸۴، شامل ۳۱۷ غزل). نسخه ص نیز که فقط یک غزل تکراری دارد مجموعه‌ای است که شامل فقط ۱۴۲ غزل شیخ است.

۶. ابوبکر بیستون نخستین تنظیم خود از غزلیات شیخ را در سال ۷۲۶ق به پایان برده است (فروغی، ص ۹۲۴)، یعنی ۳۵ سال پس از وفات شیخ؛ و بدیهی است که آشنایی او با غزلیات شیخ از سالها پیش از این تاریخ بوده است، اما از توضیح وی پیداست که در آن زمان جمع و تبویب کلیات را از خود سعدی نمی‌دانستند: «جمع‌آورنده دیوان شیخ رحمة الله علیه در اصل وضع بنیاد بر بیست‌ودو کتاب کرده بود، شانزده کتاب و شش رساله و بعضی به هفت رساله بنوشتند، چنانچه بیست‌وسه می‌شد» (فروغی، ص ۹۲۵).

۷. یوسفی نیز در ضمن نقل نسخه‌بدلها گاه به مواردی اشاره کرده است که به زعم او احتمالاً حاصل ویرایش خود سعدی هستند، از جمله این موارد: ۲۱۹/۷ و ۸: ۲۳۵/۱ و ۲۷۴/۱.

۸. آقای پژمان فیروزبخش تذکر دادند که این نظر در اصل متعلق به دکتر جلال خالقی مطلق است. ۹. در مقدمه گلستان (ص ۱۹) نوشته است که نسخه مل با نسخه گ قرابت بسیار دارد. گرچه این دو نسخه دارای غزلیات هم هستند، اما بدیهی است که این توضیح یوسفی ناظر به متن گلستان است. نیز نوشته‌اند (ص ۲۰) نسخه بی تاریخ با نسخه گ قرابت دارد

۱۰. یوسفی بیش از اتابکی به ضبطهای انحصاری نسخه‌های اساس اشاره کرده است. مواردی که من در بررسی نسخه‌بدلها به آنها برخوردیم، به ترتیب قدمت نسخ عبارت‌اند از: ضبطهای منحصر به فرد آل (۳۴ مورد): ۲۲/۳، ۸/۴، ۳/۳۳ و ۴، ۳/۳۸، ۱/۵۴، ۱/۹۷، ۹/۱۰۵، ۱۲/۱۰۶،

۵/۱۰۹، ۲/۱۱۲، ۷/۱۲۴، ۱/۱۳۰، ۶/۱۴۵ و ۷/۱۶۰، ۵/۱۶۰، ۳/۱۶۹، ۱۰/۱۸۹، ۶/۲۰۷، ۴/۲۰۸ و ۷/۲۵۵، ۹/۲۶۷، ۱۲/۲۶۷، ۶/۳۱۷، ۵/۳۲۹، ۹/۳۹۶، ۴/۳۹۹، ۷/۴۱۳، ۷/۴۳۶، ۳/۴۳۹، ۴/۴۴۳، ۵/۴۹۴، ۶/۵۵۴، ۲/۶۰۳. ضبطهای منحصربه‌فرد گ (۲۴ مورد): ۶/۲۳، ۶/۳۱، ۱/۴۱، ۶/۱۳۴، ۱۰/۱۵۲، ۱۰/۱۵۳، ۲/۱۶۱، ۸/۱۷۴، ۱/۲۱۳، ۱/۲۲۱، ۵/۲۵۶، ۱۰/۲۶۲، ۱/۲۸۷، ۱/۲۸۸، ۶/۲۹۳، ۵/۳۱۵، ۸/۳۳۰، ۹/۳۳۳، ۱/۳۶۸، ۳/۴۰۷، ۱۱/۴۰۸، ۸/۴۱۴، ۹/۴۲۸، ۱/۵۶۳. ضبطهای منحصربه‌فرد ه (چهار مورد): ۹/۱۰۱، ۲/۱۲۱، ۱۱/۳۴۴، ۱/۳۵۰. یک مورد ضبط منحصربه‌فرد ن: ۳/۵۹. ضبطهای منحصربه‌فرد آ (پنج مورد): ۲/۱۴، ۵/۵۳، ۱/۶۱، ۴/۳۴۳، ۸. مجموعاً ۶۸ مورد، که یوسفی به شصت مورد و اتابکی به هشت مورد از آن اشاره کرده‌اند.

۱۱. برای نمونه به این موارد می‌توان اشاره کرد: ۷/۵۱، ۸/۵۵، ۶/۱۶۹، ۱/۱۷۷، ۱۰/۲۰۴، ۳/۲۰۹ و ۵/۲۳۴، ۵/۲۴۰، ۴/۲۴۶، ۱/۲۶۶ و ۵/۲۷۳، ۸/۲۸۱، ۱۰/۳۰۲، ۱۱/۳۱۲، ۴/۳۴۴، ۷/۳۸۵.

۱۲. به نظر می‌رسد که گاهی اصلاً به ضبط سایر نسخ اشاره‌ای نشده است. این‌گونه موارد را با مقابله با نسخ خطی باید معلوم کرد و من عجزاً نمی‌توانم نظری در این باره بدهم.

۱۳. برای این موضوع، نک: نیساری ۱۳۷۷: ۲۷.

۱۴. به دلیل وجود اغلاط فاحش در نسخه‌های اساس، مصححان در موارد متعدد ضبط نسخ دیگر را به متن برده‌اند. بررسی این موارد نشان می‌دهد که در مواضع متعدد نسخه گ بهتر از نسخه آل، و نسخه ه بهتر از نسخه گ است. این موضوع نشان می‌دهد که اعتماد بیش از حد مصححان به نسخه آل نادرست بوده است. مثلاً در این غزلها به نظر می‌رسد که گ از آل صحیح‌تر است: ۱، ۵۱، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۶۵، ۱۸۸، ۲۰۱، ۲۱۲، ۲۴۴، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۷، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۷، ۳۱۱، ۳۷۱، ۴۱۲، ۴۶۸. و در این غزلها به نظر می‌رسد که ه از گ صحیح‌تر است: ۲۵، ۳۹، ۴۱، ۴۳، ۴۴، ۴۸، ۵۰، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۶۷، ۲۴۵، ۲۷۲، ۲۸۳، ۳۳۹، ۷۰۵. نسخه آ در بیست غزل نسخه اساس واقع شده، در حالی که به نظر می‌رسد در نه غزل ضبط سایر نسخ بهتر است: پ (که فقط یک سال جدیدتر از آ است): ۱۹، ۵۳، ۵۸، ۶۱، ۶۵، ۱۲۷؛ م: ۶۲، ۶۳؛ مل: ۶۶. سایر مواردی که آ نسخه اساس است، عبارت‌اند از: ۱۴، ۱۸، ۲۰، ۵۵، ۵۷، ۶۴، ۳۴۳، ۳۶۰، ۳۸۵، ۳۹۰، ۶۵۶.

۱۵. غزلهای ۱ تا ۷۱۵ از ص ۱ تا ۳۲۲ کتاب هستند (۳۲۲ صفحه). نسخه‌بدل‌های این غزلهای هم از ص ۳۴۹ تا ص ۶۵۸ هستند (۳۰۹ صفحه)، که مجموع آنها ۶۳۱ صفحه می‌شود. اگر هر غزل و نسخه‌بدل‌هایش در یک صفحه چاپ شوند، غزلیات ۷۱۵ صفحه جا می‌گیرند که فقط ۸۴ صفحه از حالت فعلی بیشتر است.

۱۶. البته هر دوی آنان در شرایط خاصی از نسخه‌بدل مثبت استفاده کرده‌اند (نک: نیساری ۱۳۸۵: ۱۸، بخش «مفهوم پشتوانه بسنده»).

۱۷. ۷۳۷ غزل نسخه آ ۲۲ تا بیشتر از ۷۱۵ غزل تصحیح یب است، علاوه بر این، طبق بررسی من ۲۳ تا از اشعار کتاب در نسخه آ نیستند، که شماره آنها عبارت است از: ۵، ۱۸۴، ۲۴۷، ۲۴۸، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۹۴، ۶۰۰، ۶۰۲، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۹، ۶۳۷، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۶۸، ۶۷۱، ۷۱۳ و ۷۱۵.

۱۸. سایر مواردی که نامی متفاوت دارند عبارت‌اند از: «قصیده» (ش ۴۲، ۱۷ بیت)، بدون نام (ش ۲۰۵، ده بیت، که البته غزل است)، «قطعه‌شعر» (ش ۳۱۱، سیزده بیت عربی)، «غزل موعظه» (ش ۷۱۱)، «غزل ملمع» (ش ۷۱۲، نوزده بیت) و «شعر» (ش ۷۱۵، ۲۷ بیت، ملمع)، «قطعه» (غزلهای الحاقی، ش ۱۶).

۱۹. و نیز دو شعر ملمع: ش ۷۱۲ (نوزده بیت، خود آن را «غزل ملمع» نامیده‌اند) و ش ۷۱۳ (نوزده بیت).

۲۰. در تهیه این جدول از فهرست غزلیات تصحیح فروغی که در وبگاه تیبیان (www.tebyan.net) قرار داشت، استفاده کردم.

۲۱. این غزلیات الحاقی عبارت‌اند از غزلهای ۶۳۹، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰ و نیز پنج غزل الحاقی که در انتهای موعظ، تحت عنوان «غزلهای عرفانی»، آمده‌اند (در چاپی که در اختیار من است: ص ۸۶۵-۸۶۶).

۲۲. در چایی از کلیات سعدی در بخش «خبیثات» آمده است (منصور ۱۳۸۴: ۸۸۰).

پیوست یک. اغلاط چاپی

موارد زیر را حین مطالعه غزلیات یافتیم. مسلم است که بسیاری از اغلاط املائی نیز در این تصحیح هست که تا این تصحیح را با تصحیحی دیگر یا با اصل نسخه‌ها مقابله نکنیم، متوجه آنها نخواهیم شد. برخی از موارد زیر ممکن است ناشی از خوانش متفاوت مصححان باشد، با این حال چون احتمال آن نیز می‌رفت که خطای چاپی باشند، نقلشان کردم. اغلاط فاصله‌گذاری (درون‌کلمه‌ای و میان‌کلمه‌ای) را فقط در چند مورد معدود که مغلّ معنا بود ذکر کردم. ارجاع به فروغی و یغمایی و برگ‌نیسی به شماره غزل است.

۴/۶ و ۵: در کلمات قافیه، تشدید حروف روی زاید است («جدّ» و «سرحدّ»).

۹/۴۶. تشدید روی «حدّ» زائد است.

۴/۵۴. احتمالاً کسره آخر «زحمت» زائد است (با توجه به سیاق سخن، نیز نک: لغتنامه دهخدا، مدخل «زحمت بردن» و نیز بیت ۳/۲۳۸ در همین تصحیح).

۱/۶۸. الله الله ← الله الله.

۸/۹۸. بشکفتم ← نشکفتم (فروغی، ۳۷۰؛ یغمایی، ص ۸۱، غ ۸۸ و نسخه‌بدهای آن).

۱۰/۱۰۵. بستانها ← دورانها (فروغی، ۲۴؛ یغمایی، ص ۸۶، غ ۹۵ و نسخه‌بدهای آن).

۲/۱۵۷. ک ← که.

۳/۱۵۸. زیر [] بالاست ← زیر و بالاست (فروغی، ۴۵؛ یغمایی، ص ۱۲۶، ش ۱۴۸. نیز نک: لغتنامه دهخدا، مداخل «زیر و بالا» و «زیر و بالا گفتن» ذیل «زیر»، نیز: فرهنگ بزرگ سخن، مدخل «زیر و بالا گفتن»، ذیل «زیر»).

۳/۱۸۰. کسره آخر «ایستادن» زائد است.

۴/۱۹۱. نگار گر ← نگارگر (نیاید میان دو جزء فاصله باشد).

۸/۱۹۵. پیل ← پیل.

۸/۱۹۸. احتمالاً تشدید «سرّ» زائد است (باید «سرّ» خواند. نک: فروغی، ۴۹۷؛ برگ‌نیسی، ۲۶۸).

۳/۲۳۱. احتمالاً «صیحت» غلط و صحیح «صحت» است (فروغی، ۵۸۲؛ یغمایی، ص ۱۷۹، ش ۲۲۳، و نسخه‌بدهای آن).

۱۰/۲۳۳. مرد ← مرو (فروغی، ۸؛ یغمایی، ص ۱۸۱، ش ۲۲۵).

۲۴۲. اشتباهاً به آن شماره «۲۴۴» داده‌اند.
۱۱/۲۴۷. سرت ← سرست.
- ۵/۲۵۶. برآمیختی ← برآمیختمی (فروغی، ۳۶۶؛ یغمایی، ص ۱۹۶، ش ۲۴۸).
۸/۲۵۸. کسره آخر «غریق» زائد است.
- ۶/۲۶۱. باهوش ← با هوش (باید میان دو جزء فاصله باشد).
۴/۲۷۸. ای (ابتدای بیت) ← این (فروغی، ۴۱۰؛ یغمایی، ص ۲۱۱، ش ۲۷۰).
۶/۲۷۸. احتمالاً «پیش» غلط و «پیشم» صحیح است (فروغی، ۴۱۰؛ ضبط یغمایی هم «پیش» است (ص ۲۱۱، ش ۲۷۰) اما در نسخه بدلها ضبط «پیشم» را هم آورده، در حالی که چنین نسخه‌بدلی در یب ذکر نشده است).
۶/۲۸۰. چو ← چون (فروغی، ۱۷۶؛ یغمایی، ص ۲۱۳، ش ۲۷۲).
۲/۲۸۵. جادوان ← جادوان (فروغی، ۳۰۴؛ یغمایی، ص ۲۱۶، ش ۲۷۷).
۱۴/۳۰۸. شیدایی ← شیدایی.
- ۸/۳۳۸. گر برد ← گر بود (فروغی، ۴۰۷؛ ضبط یغمایی هم «برد» است (ص ۳۳۰، ش ۲۸) اما در نسخه بدلها ضبط «بود» را هم آورده، در حالی که چنین نسخه‌بدلی در یب ذکر نشده است).
۱۱/۳۵۱. احتمالاً کسره آخر «صبر» زائد است (نک: برگ‌نسی، ص ۹۳).
۱۰/۳۵۸. احتمالاً «نگیرید» غلط و «مگیرید» صحیح است (فروغی، ۴۷۰؛ یغمایی، ص ۳۴۳، ش ۴۸ و نسخه بدلها). بسیار مستبعد است که سعدی به جای «م» از «ن» در ساخت فعل نهی استفاده کرده باشد.
۳/۳۷۷. خوابی ← خرابی (فروغی، ۵۲۰؛ یغمایی، ص ۳۵۵، ش ۶۷).
۷/۳۹۴. جه ← چه.
- ۸/۴۰۱. بر خی ← برخی (نباید میان دو جزء فاصله باشد).
۱/۴۱۹. نازنین ← ناز بین (فروغی، ۴۸۶؛ یغمایی، ص ۳۸۲، ش ۱۰۹ و نسخه بدلها).
۷/۴۶۷. شب روز ← شب و روز (فروغی، «مواعظ»، ص ۸۰۰، غزل ۴۲ و حاشیه؛ یغمایی، ص ۴۱۴، ش ۱۵۷).
۴/۴۷۷. علامت سؤال پایان بیت زائد است.
۱/۵۰۸. یاسمن ← یا سمن (باید بین دو جزء فاصله باشد).

- ۱۰/۵۱۴. کاسکی ← کاشکی.
- ۷/۵۱۹. روای ← روای (فروغی، «مواعظ» در ستایش اتابک سعدبن ابوبکر ...، ص ۷۱۸؛ یغمایی، ص ۴۴۸، ش ۲۰۹).
- ۳/۵۷۰. این بیت دو بار حروفچینی شده است.
- ۴/۵۸۶. عیوان ← عیون (فروغی، «مواعظ»، ص ۷۹۲، غزل ۲۳؛ یغمایی، ص ۴۹۱، ش ۲۷۶).
- ۵/۵۸۶. خوشید ← خورشید (فروغی، همانجا؛ یغمایی، همانجا).
- ۷/۵۸۶. دینی ← دینی (فروغی، همانجا). ضبط یغمایی «دنیا» است (همانجا) که مخل وزن است.
- ۵/۶۲۸. با دست ← بادست (= باد است. نباید میان دو جزء فاصله باشد).
- ۲/۶۸۳. صبای ← صباحی (فروغی، ۷۳؛ یغمایی، ص ۶۲۲، ش ۲۴).
- ۶/۶۸۷. از ابتدای مصراع دوم «که» افتاده است (فروغی، ۶۸۷؛ یغمایی، ص ۶۲۶، ش ۲۸).
- ترجیع، بند ۱۰/۱۹. پس ← بس (فروغی، ۶۶۰؛ یغمایی، ص ۶۷۱، «ترجیع»، بند ۱۹).



پیوست دو. بررسی خویشاوندی نسخ

خویشاوندی نسخه‌ها را از جمله می‌توان با بررسی اغلاط کتابتی مشخص کرد (لازم به ذکر است که این نکته را از افاضات شفاهی دکتر جلال خالقی مطلق آموختم). در کنار اغلاط کتابتی بعضی ضبطهای خاص هم می‌توانند قرینه‌ای بر خویشاوندی نسخ باشند. با بررسی نسخه‌بدل‌های غزلیات، چنین به نظر می‌رسد که برخی نسخه‌ها با هم خویشاوندی دارند. منتها چون هر غزلی سلسله‌النسب مجزایی دارد، خویشاوندی نسخه‌ها را باید در هر غزلی به صورت جداگانه بررسی کرد.

به طور کلی به دلیل نوع ضبط نسخه‌بدل‌ها و توجه بسیار به نسخه‌ اساس، بیشتر می‌توان متوجه خویشاوندی نسخه‌ اساس با سایر نسخه‌ها شد تا خویشاوندی سایر نسخه‌ها با هم. مرحوم یوسفی به دلیل اعتقادی که به نسخه‌ اساس داشته است، در بسیاری موارد، ضبطهای منفرد نسخه‌ اساس را حفظ و وارد متن کرده است. گاه نیز یکی دو نسخه ضبطهای نسخه‌ اساس را تأیید می‌کنند. برخی از این موارد نشان‌دهنده آن است که ارتباطی میان آنها و نسخه‌ اساس وجود دارد. در زیر به برخی شباهتهای نسخه‌ها اشاره می‌کنم:

آل، د، پا: ۲/۲۴۰، ۳/۶۰۶ و ۵.

این دو مورد که اغلاط کتابتی هستند نمونه‌های خوبی برای نشان دادن خویشاوندی این نسخه‌ها هستند:

۲/۲۴۰. متن (گ، ه، آ، مل، م، پر، ت، صو) چنین است:

هر که عاشق نبود مرد نشد نقره فایق نگشت تا نگداخت
آل، د، پا به جای مصراع دوم این بیت مصراع دوم بیت ۳ (که نه دنیا و آخرت
درباخت) را دارند، که در واقع اشتباهی کتابتی است.

۳/۶۰۶. متن (گ، ه، آ، پ، مل، م، پر، ت، مه) چنین است:

تطاولی که تو کردی به دوستی با من من آن به دشمن خون خوار خویش نپسندم
آل، د، پا چنین است:

تطاولی که تو کردی و عهد بشکستی هنوز بر سر پیمان و عهد و سوگندم
اتابکی پس از مصراع دوم چنین توضیح داده است که: «مصراع دوم بیت پنجم
است.» بیت پنجم هم در زیر می آید:

۵/۶۰۶. متن (گ، ه، آ، پ، مل، م، پر، ت، مه) چنین است:

اگرچه مهر بریدی و عهد بشکستی هنوز بر سر پیمان و عهد و سوگندم
که در این مورد مصراع دوم آل، د، پا چنین است: من آن به دشمن خون خوار
خویش نپسندم.

اتابکی توضیح داده است که: «مصراع دوم بیت سوم است و جابه‌جایی دارد.»

آل (۷۰۶ ق) و د (۶۹۱ تا ۷۲۶ ق)

موارد بسیاری وجود دارد که ضبط این دو نسخه با تمامی نسخ دیگر فرق دارد. از
جمله: ۶/۲۸، ۶/۷۳، ۶/۸۶ و ۷، ۵/۱۲۰، ۳/۱۲۲، ۹، ۲/۱۲۳، ۹، ۳/۱۲۹ و ۴
(نیز ۶)، ۵/۱۳۰، ۵/۱۳۵ و ۱۱، ۱۱/۱۵۴، ۲/۱۶۰، ۳، ۹/۱۶۵، ۷/۱۷۲، ۶/۲۱۵
و ۷، ۸/۲۷۰ و ۹ (نیز ۴) و غیره.

برخی از این موارد که این خویشاوندی را بهتر نشان می‌دهند عبارت‌اند از:

۹/۱۲۲. ضبط متن (آل، د) چنین است:

الا کسی که ذوقِ سماعش بودِ چو من داند که نعره از سر ذوقی همی زنم
و ضبط سایر نسخه‌ها (هشت نسخه: ه، آ، پ، م، پا، پر، ت، مه) چنین است:

دردی نبوده را چه تفاوت کند که من بیچاره درد می خورم و نعره می زنم
۳/۱۶۰. ضبط متن (آل، د) چنین است:

رفتم به طمع که دُر ربایم نربودم و دجله درربودم
و ضبط سایر نسخه‌ها (هشت نسخه: ه، آ، پ، م، پا، پر، ت، مه) چنین است:

در حلقه کارزارم انداخت آن نیزه که حلقه می‌ربودم
نیز نک: ۲/۴۹ (و توالی ابیات این غزل)؛ ۱۲۵/۳ و ۹ (آل و د به جای ابیات متن
دو بیت دیگر دارند، که مصححان ضبط سایر نسخ را به متن برده‌اند)، ۲۱۹/۷ و ۸
(آل و د به جای این دو بیت، یک بیت دارند که مصححان ضبط سایر نسخ را به متن
برده‌اند)، ۳۰۷/۵ و ۷ و ۹ (آل و د پنج ضبط مشترک دارند که در نسخه بدل آمده و
مصححان ضبط سایر نسخ را وارد متن کرده‌اند).

آل (۷۰۶ ق) و چ (حدود ۷۲۰ تا ۷۳۰ ق)

موارد متعددی وجود دارد که ضبط این دو نسخه با تمامی نسخ دیگر فرق دارد. از
جمله: ۱۱/۱۲، ۵/۶۸ و ۶ و ۹ و ۱۰ (نیز ۷)، ۷/۱۰۳، ۸/۱۰۹، ۶/۱۱۲، ۲/۱۸۹ و
۳ و ۷ (نیز ۹)، ۵/۱۹۱، ۴/۲۹۵، و غیره.

آل، د، چ: موارد متعددی هست که ضبط این سه نسخه با سایر نسخ فرق دارد، از
جمله: ۱۳/۱، ۶/۱۱، ۶/۳۶، ۷/۵۱ (و توالی ابیات این غزل)، ۵/۱۳۱ و ۱۱،
۲/۱۳۷، ۵/۱۶۳، ۹/۱۷۹، ۲/۲۰۱ و ۱۳، ۴/۲۴۶، ۴/۳۵۳ و ۸، و غیره. برای نمونه
مورد زیر ذکر می‌گردد:

آل و م (بعد از ۷۳۴ ق) و پا (۷۶۴ ق)

این دو نسخه نیز گاه در کنار نسخ د و چ ضبطهای آل را همراهی می‌کنند، از جمله

در این موارد:

آل، م، د: ۸/۲۹ (آل و د: ۷/۲۹)، ۴/۲۹۰.

آل، م، د، پا: ۵/۲۴۶.

آل، م، د، چ: ۹/۲۵۳، ۹/۲۹۹.

آل، د، پا، چ: ۳/۱۳۶، ۸/۲۲۶، ۸/۲۳۴.

گ، پا: موارد چندی وجود دارد که ضبط این دو نسخه با تمامی نسخ دیگر فرق دارد. از جمله: ۶/۱۴۰، ۱۰/۱۴۳ (نیز ۲)، ۴/۱۵۶، ۷/۱۸۰ (نیز ۶)، ۶/۱۹۶، ۱۰/۲۰۹ (نیز ۵)، و غیره.

منابع

- برگ‌نیسی، کاظم، ۱۳۸۰، *غزلیات سعدی بر اساس چاپهای محمدعلی فروغی و حبیب یغمایی*، تهران، فکر روز.
- فروغی، محمدعلی، ۱۳۷۶، *کلیات سعدی*، تهران، امیرکبیر.
- قزوینی، محمد، ۱۳۹۰، «نامه‌ی علامه محمد قزوینی به ذکاءالملک فروغی»، به کوشش نادر مطلبی کاشانی، *نامه‌ی بهارستان*، س ۱۱، ش ۱۷، ص ۲۰۷-۲۱۴.
- منصور، جهانگیر، ۱۳۸۴، *کلیات سعدی بر اساس نسخه‌ی چاپ ۱۳۱۶-۱۳۱۷ کتابخانه‌ی ادب، تهران، احیا کتاب*.
- نیساری، سلیم، ۱۳۷۷، *دیوان حافظ بر اساس چهل‌وهشت نسخه‌ی خطی سده‌ی نهم*، تهران، سینانگار.
- نیساری، سلیم، ۱۳۸۵، *دفتر دگرسانیها در غزلهای حافظ (برگرفته از پنجاه نسخه‌ی خطی سده‌ی نهم)*، ج ۲، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی (نشر آثار).
- یغمایی، حبیب، ۱۳۶۱، *غزلیات سعدی*، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- یوسفی، غلامحسین، ۱۳۷۴، *گلستان سعدی*، تهران، خوارزمی.
- یوسفی، غلامحسین، ۱۳۷۵، *بوستان (سعدی‌نامه)*، تهران، خوارزمی.
- یوسفی، غلامحسین؛ اتابکی، پرویز، ۱۳۸۵، *غزلهای سعدی*، تهران، سخن.

معرفی بازنامهٔ ینال خلیل تاشی

بازدار مخصوص سلطان سنجر

امین مُجَلِّی زاده *

چکیده

بازنامهٔ ینال خلیل تاشی بن یوسف بن احمد بن البتاش بخاری، یکی از ارزشمندترین آثار میراث دامپزشکی اسلامی است که از دوران سلطنت سنجر بن ملک شاه (۵۱۱-۵۵۲ ق) در میان تاریخ پرتلاطم این مرز و بوم برجای مانده است. این کتاب حاوی مقدمه‌ای بسیار سودمند در تاریخ بازاری و دو بخش اصلی است؛ بخش اول در کلیات بازاری مشتمل بر ۲۴ باب و بخش دوم در معالجات مشتمل بر ۶۸ باب کوتاه ولی پرمغز که با نثری بسیار نکو به رشتهٔ تحریر درآمده است و از لحاظ معرفی بازاریان پیشین، جانوران، گیاهان، ادویه و متن کهن آن، که در سبک نثر مرسل جای می‌گیرد، بی‌نظیر است. از این بازنامه تنها یک نسخه در کتابخانهٔ آیت‌الله مرعشی برجای مانده است. نگارنده در این مقاله جوانبی از این اثر را بررسی کرده است.

کلیدواژه‌ها: بازنامه، باز، بازدار، بازاری، ینال خلیل تاشی.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد /